

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ولادیمیر ایلچ لنین
برگردان از: جواد راستی پور
فرستنده: علی مشرف
۰۲ اگست ۲۰۲۰

پلاتفرم تاکتیکی برای کنگره وحدت حزب کارگری سوسیال دموکراتیک روسیه (ح.ک.س.د.ر.) - ۲ پیش نویس قطعنامه‌ها

برای کنگره وحدت ح.ک.س.د.ر. [۱]

شوراهای نمایندگان کارگران

نظر به این که:

- (۱) شوراهای نمایندگان کارگران به صورت خودجوش در روند اعتصابات سیاسی توده‌ای به مثابه سازمان های غیرحزبی توده‌های وسیع کارگران پدید آمدند؛
- (۲) این شوراهای در روند مبارزه به طور اجتناب ناپذیری دستخوش تغییری هم در مورد ترکیب شان، از طریق جذب کردن عناصر انقلابی بیشتری از خرده بورژوازی و هم در مورد ماهیت فعالیت هایشان، از طریق رشد کردن از سازمان های صرفاً اعتصابی به ارگان های مبارزه انقلابی عمومی، شدند؛
- (۳) تا جایی که این شوراهای اشکال بدوی قدرت انقلابی هستند، قدرت و اهمیت آنها کاملاً وابسته به قدرت و موفقیت قیام است؛

ما بر این عقیده‌ایم و پیشنهاد می کنیم که کنگره موافقت نماید:

- (۱) که حزب کارگری سوسیال-دمکرات روسیه باید در شوراهای غیرحزبی نمایندگان کارگران شرکت کند، همواره قوی ترین گروه‌های ممکن از اعضای حزب را در شوراهای شکل دهد و فعالیت این گروه‌ها را اکیداً در تطابق با فعالیت های عمومی حزب هدایت کند؛
- (۲) که تشکیل دادن چنین سازمان هائی به منظور افزایش نفوذ سوسیال - دموکراتیک بر پرولتاریا، و نفوذ پرولتاریا بر روند و نتیجه انقلاب دموکراتیک، ممکن است، در شرایط خاصی، به سازمانهای محلی حزب ما واگذار شود؛
- (۳) که وسیع ترین بخشهای ممکن از طبقه کارگر و همچنین نمایندگان دموکراتهای انقلابی، به خصوص دهقانان، سربازان و ملوانان، باید به مشارکت در شوراهای غیرحزبی نمایندگان کارگران برانگیخته شوند؛

۴) که همپای گسترش یافتن فعالیت ها و حوزه نفوذ شوراهای نمایندگان کارگران، باید نشان داده شود که این مؤسسات محکوم به فروپاشی هستند مگر آن که از طرف یک ارتش انقلابی پشتیبانی کردند و مگر آن که مقامات دولتی برانداخته شوند (یعنی، مگر آن که شوراها به دولت های انقلابی موقت تبدیل شوند)؛ و این که از این رو یکی از وظایف عمده این مؤسسات در هر موقعیت انقلابی باید مسلح کردن مردم و تقویت سازمان های نظامی پرولتاریا باشد.

شیوه برخورد با احزاب بورژوایی

نظر به این که:

۱) حزب سوسیال - دمکرات همیشه ضرورت حمایت کردن از هر اپوزیسیون و جنبش انقلابی علیه سیستم اجتماعی و سیاسی موجود در روسیه را تصدیق کرده است؛

۲) در زمان حاضر که انقلاب طبقات مختلف را به عمل آشکار می کشاند و بدین سان تشکیل شدن احزاب سیاسی را برمی انگیزد، این وظیفه فوری حزب سوسیال - دمکرات است که خصلت طبقاتی این احزاب را معلوم سازد، روابط کنونی بین طبقات را ارزیابی نماید و شیوه برخورد خودش را با احزاب مختلف بر این اساس تعیین کند؛

۳) وظیفه عمده طبقه کارگر در مرحله کنونی انقلاب دمکراتیک به اتمام رساندن آن است و از این رو حزب سوسیال - دمکرات، در تعیین کردن شیوه برخوردش نسبت به دیگر احزاب، باید به طور خاص حدی را که هر حزب قادر به پیش بردن فعالانه این هدف است در نظر بگیرد؛

۴) از این دیدگاه، همه احزاب غیرسوسیال - دمکرات موجود در روسیه (به جز احزاب مرتجع) می توانند به دو گروه اصلی تقسیم گردند: احزاب لیبرال - سلطنت طلب و انقلابی - دمکرات؛ ما بر این عقیده ایم و پیشنهاد می کنیم که کنگره موافقت نماید:

۱) که احزاب لیبرال - سلطنت طلب دست راستی (اتحادیه هفده اکتوبر، حزب نظم و قانون، حزب تجاری و صنعتی [۴] و غیره) بیانگر سازمانهای طبقاتی ملاکین و بورژوازی تجاری و صنعتی بزرگ هستند و آشکارا ضدانقلابی می باشند، ولی هنوز به معامله نهائی با بوروکراسی خودکامه در خصوص تقسیم قدرت نرسیده اند؛ که حزب پرولتاریا در حالی که از این برخورد که هنوز در حال رشد است بهره می گیرد، باید همزمان مبارزه ای بی امان را علیه این احزاب برپا کند؛

۲) که احزاب لیبرال - سلطنت طلب دست چپی (حزب اصلاحات دمکراتیک [۵])، حزب مشروطه طلب - دمکرات، و غیره، در حالی که سازمانهای طبقاتی اکیدی نیستند، دائماً بین خرده بورژوازی دمکرات و عناصر ضدانقلابی بورژوازی بزرگ، بین تمایل به تکیه کردن بر مردم و ترس از فعالیت انقلابی مستقل آنها نوسان می کنند، و هیچ هدفی که فراتر از مرزهای یک جامعه بورژوایی مرتب و منظم برود که توسط سلطنت و سیستم دو مجلسی از تجاوزات پرولتاریا محافظت می شود، ندارند؛ و این که حزب سوسیال - دمکرات باید از فعالیت های این احزاب به منظور تعلیم دادن سیاسی مردم استفاده کند، عبارت پردازای دمکراتیک ریاکارانه آنها را در مقابل دمکراسی پیگیر پرولتاریا قرار دهد، و بی رحمانه توهمات مشروطه طلبانه ای که آنها می پراکنند را افشاء کند؛

۳) که احزاب و سازمانهای انقلابی - دمکرات (حزب سوسیالیست - انقلابی، اتحادیه دهقانی، برخی از سازمانهای شبه اتحادیه ای و شبه سیاسی و غیره) به نزدیک ترین نحوی منافع و دیدگاه توده های وسیع دهقانان و خرده بورژوازی را بیان می کنند، قویاً با سیستم ملاکی و حالت شبه فئودالی مخالفت می کنند، همواره جهت رسیدن به دمکراسی تلاش می کنند و اهداف اساساً بورژوا - دمکراتیک خودشان را با پوششی کمابیش تیره و تار از ایدئولوژی سوسیالیستی می

پوشانند؛ و این که حزب سوسیال - دمکرات وارد شدن به توافقات مبارزاتی با این احزاب را لازم و ضروری می داند، در حالی که همزمان به طور سیستماتیک خصلت سوسیالیستی کاذب آنها را افشاء و با تلاشهایشان برای مخفی کردن تضاد طبقاتی بین پرولتاریا و مالک کوچک مبارزه می کند؛

(۴) که هدف سیاسی بلاواسطه چنین توافقات مبارزاتی موقتی بین حزب سوسیال - دمکرات و دمکراتهای انقلابی اطمینان حاصل کردن از تشکیل شدن یک مجلس مؤسسان از کل مردم با قدرت کامل، بر مبنای حق رأی عمومی، مساوی و مستقیم توسط رأی مخفی، با شیوه های انقلابی است؛

(۵) که توافقات مبارزاتی موقتی در زمان کنونی فقط با آن عناصری که قیام مسلحانه را به مثابه یک شیوه مبارزه تصدیق و عملاً به خلق کردن آن کمک می کنند، ممکن و مقتضی هستند.

شیوه برخورد با احزاب سوسیال - دمکرات ملی

نظر به این که:

- (۱) در روند انقلاب، پرولتاریای همه ملل در روسیه توسط مبارزه مشترک هر چه بیشتر متحد می شود؛
 - (۲) این مبارزه مشترک احزاب سوسیال - دمکرات ملی مختلف در روسیه را به همدیگر نزدیک تر می سازد؛
 - (۳) در بسیاری از شهرها کمیته های ادغام شده همه سازمان های سوسیال - دمکرات ملی آن محل خاص به جای کمیته های فدرال سابق تشکیل می شوند؛
 - (۴) بیشتر احزاب سوسیال - دمکرات ملی دیگر بر اصل فدراسیون، که به درستی توسط کنگره دوم حزب کارگری سوسیال - دمکرات روسیه رد شد، تأکید نمی کنند؛
- ما بر این عقیده ایم و پیشنهاد می کنیم که کنگره موافقت نماید:
- (۱) که پرانرژی ترین اقدامات باید صورت گیرند تا ادغام سریع همه احزاب سوسیال - دمکرات ملی در روسیه در یک حزب کارگری سوسیال - دمکرات متحد انجام شود؛

- (۲) که اساس این ادغام باید یکی شدن کامل همه سازمانهای سوسیال - دمکرات در هر محل باشد؛
- (۳) که حزب باید واقعاً برآورده شدن همه منافع حزبی و نیازهای پرولتاریای سوسیال - دمکرات هر ملت را تضمین کند، توجه کافی به ویژگی های خاص فرهنگ و شیوه زندگی آن بنماید؛ و این که می توان با برگزاری کنفرانس های ویژه سوسیال - دمکرات های هر ملت خاص، نمایندگی دادن به اقلیت های ملی در نهادهای محلی، منطقه ای و مرکزی حزب، تشکیل گروه های خاص از نویسندگان، ناشران، مبلغان و غیره، به این امر قطعیت بخشید.

تذکره. نمایندگی یک اقلیت ملی در کمیته مرکزی حزب می تواند، مثلاً، به نحوه زیر ترتیب داده شود: کنگره عمومی حزب می تواند تعداد معینی از اعضای را از میان کاندیداهای نامزد شده توسط کنگره های منطقه ای در آن قسمت هائی از روسیه که در حال حاضر سازمانهای سوسیال - دمکرات جداگانه وجود دارند برای کمیته مرکزی انتخاب نماید.

اتحادیه های کارگری

نظر به این که:

- (۱) حزب سوسیال - دمکرات همیشه مبارزه اقتصادی را به مثابه یکی از اجزای تشکیل دهنده مبارزه طبقاتی پرولتاریا دانسته است؛

۲) تجربه همه کشورهای سرمایه داری نشان می دهد که قابل توصیه ترین شکل سازمان طبقه کارگر برای مبارزه اقتصادی اتحادیه های کارگری وسیع است؛

۳) در حال حاضر کوششی عمومی در بین توده های کارگر در روسیه برای تشکل در اتحادیه های کارگری به چشم می خورد؛

۴) مبارزه اقتصادی، تنها در صورتی می تواند موجب بهبودی پایداری در وضع توده های کارگر و تقویت سازمان واقعی طبقاتی آنها گردد که این مبارزه به طور صحیحی با مبارزه سیاسی کارگران پیوند داده شود؛
ما بر این عقیده ایم و پیشنهاد می کنیم که کنگره موافقت نماید:

۱) که تمام سازمانهای حزب باید تشکل اتحادیه های کارگری غیرحزبی را ترویج کنند و اعضای حزب را ترغیب کنند که به اتحادیه های کارگری مربوط به حرفه خود بپیوندند؛

۲) که حزب باید هر کوششی را به عمل آورد تا کارگران عضو اتحادیه های کارگری را به درک وسیع تری از مبارزه طبقاتی و هدف های سوسیالیستی طبقه کارگر نایل سازد، با فعالیتهایش عملاً جایگاه رهبری را در این اتحادیه ها کسب کند؛ و سرانجام تضمین نماید که این اتحادیه ها، تحت شرایط معینی، در ائتلاف مستقیم با حزب قرار می گیرند - بی آن که ابداً اعضای غیرحزبی را از صفوف خود اخراج کنند.

شیوه برخورد با دومای دولتی

نظر به این که:

۱) دومای دولتی تقلید مسخره شرم آوری از نمایندگی عمومی است، زیرا:

الف) حق رأی نه همگانی، نه مساوی و نه مستقیم است، اکثریت کارگران و دهقانان عملاً از شرکت در دومای دولتی محروم می شوند، و نسبت انتخاب کنندگان از گروه های مختلف جمعیت متناسب با دیدگاه های پولیس ایجاد شده است؛
ب) در خصوص [در زمینه] قدرت و موقعیت آن نسبت به هیأت وزیران، دوما یک زائده ناتوان بوروکراسی خودکامه است؛

ج) شرایطی که انتخابات تحت آنها برگزار می شوند به دلیل فقدان آزادی برای انجام تبلیغات، به دلیل سرکوب های نظامی، اعدام های جمعی، بازداشت ها و ستمگری پولیسی و اداری، برای مردم بیان اراده شان را کاملاً ناممکن می کند؛

د) تنها هدف دولت از تشکیل دادن چنین دومای دولتی فریب دادن مردم، حاکمیت خودکامه، تسهیل اختلاس برای خود و معامله و زد و بند با عناصر ارتجاعی طبقات استثمارگر است که تسلط آنها در دومای دولتی تضمین گردیده؛

۲) شرکت کردن در انتخابات دومای دولتی، در حالی که به هیچ وجه کمکی به پرورش آگاهی طبقاتی پرولتاریا یا تقویت و گسترش سازمان طبقاتی و آمادگی مبارزاتی او نمی کند و به احتمال زیاد موجب تفرقه و فساد پرولتاریا می شود زیرا:

الف) اگر حزب سوسیال - دمکرات در انتخابات شرکت کند، ناگزیر بین مردم توهمات مشروطه طلبانه، این اعتقاد که انتخابات تا حدی می توانند اراده مردم را واقعاً بیان کنند، و این تصور که حزب راه مشروطه طلبی کاذب را در پیش گرفته، می پرورد؛

ب) گروه های نمایندگان انتخاب شده توسط کارگران، و انتخاب کنندگان، از نظر تعداد کم شان، کوتاهی دوره احراز مسؤولیت و کارکرد خاص شان، به هیچ وجه نمی توانند کمکی به ساختن یک سازمان واقعاً انقلابی پرولتاریا بکنند؛

پ) شرکت کردن در انتخابات توجه پرولتاریا را به جای جنبش انقلابی که در بیرون از دوما جریان دارد، بر نمایش مسخره‌ای که توسط دولت اجراء می‌شود متمرکز می‌سازد، و توجه را به جای تبلیغات گسترده در بین توده‌ها، بر تبلیغات در بین گروه‌های کوچکی از انتخاب‌کنندگان متمرکز می‌سازد؛

ت) شرکت ما در انتخابات نمی‌تواند موجب تسهیل آموزش سوسیال - دمکراتیک بخش‌های ناآگاه‌تر توده‌هایی گردد که می‌خواهند در انتخابات دوما، منحصراً به شیوه قانونی شرکت کنند شیوه‌ای که ح. ک. س. د. ر. اکنون نمی‌تواند بپذیرد؛

ث) صرف نظر کردن بخشی از انتخاب‌کنندگان از گردهم‌آیی‌های انتخاباتی گوبرنیا [استان‌ها] نه می‌تواند تشکیل شدن دوما را مختل سازد و نه می‌تواند منجر به برآمد یک جنبش مردمی وسیع بشود؛

۳) شرکت کردن در انتخابات در موقعیت سیاسی کنونی سوسیال - دمکراتها را مجبور خواهد کرد که یا بدون رساندن هیچ نفعی به جنبش کنار بکشند، یا به موضع دستیاران خاموش مشروطه‌طلبان - دمکراتها در جنایت تنزل کنند؛ ما بر این عقیده‌ایم و پیشنهاد می‌کنیم که کنگره موافقت نماید:

۱) که ح. ک. س. د. ر. باید اکیداً از شرکت کردن در دومای دولتی امتناع کند؛

۲) که ح. ک. س. د. ر. باید اکیداً از شرکت کردن در هر مرحله از انتخابات دومای دولتی امتناع کند؛

۳) که ح. ک. س. د. ر. باید قوی‌ترین استفاده را از همه گردهم‌آیی‌ها در رابطه با انتخابات به منظور شرح دادن دیدگاه‌های سوسیال - دمکراتها به طور عام، و انتقاد بی‌رحمانه از دومای دولتی به طور خاص، و به خصوص فراخواندن به مبارزه‌ای جهت تشکیل انقلابی یک مجلس مؤسسان از کل مردم بکند؛

۴) که ح. ک. س. د. ر. همچنین باید از تبلیغات در خصوص دوما برای آشنا کردن وسیع‌ترین توده‌های ممکن مردم با همه دیدگاه‌های حزب درباره تاکتیکها در موقعیت انقلابی کنونی، و وظایفی که از آن برمی‌خیزند، استفاده کند.

اصول سازمان حزبی

نظر به این‌که:

۱) اصل مرکزیت دمکراتیک اکنون در حزب عموماً پذیرفته شده است؛

۲) اگر چه اجرای مرکزیت دموکراتیک دشوار شده است، اما با این حال می‌توان آن را تا حدود معینی در شرایط سیاسی موجود به اجراء درآورد؛

۳) اثبات شده است که آمیختن دستگاه‌های مخفی و قانونی سازمان حزبی برای حزب بسیار مهلک است و به فتنه‌انگیزی دولت یاری می‌رساند؛

ما بر این عقیده‌ایم و پیشنهاد می‌کنیم که کنگره موافقت نماید:

۱) که اصل انتخابی بودن در سازمانهای حزبی باید از بالا تا پایین به اجراء درآید؛

۲) که انحراف از این اصل، برای مثال: انتخابات دو مرحله‌ای یا گماشتن افراد برای نهادهای انتخابی، و غیره، تنها هنگامی مجازند که موانع پولیسی غیرقابل عبور باشند، و یا در موارد استثنائی که به طور خاص به آنها پرداخته می‌شود؛

۳) که حفظ و تقویت هسته‌های مخفی سازمان حزبی ضروری است؛

۴) که به منظور همه نوع فعالیت های علنی (در مطبوعات، در گردهم آئی‌ها، در اتحادیه‌ها، به ویژه اتحادیه های کارگری و غیره) قسمتهای خاصی از سازمانهای حزبی باید تشکیل شوند که به هیچ وجه نمی توانند هسته مخفی را به خطر اندازند؛

۵) که باید یک نهاد مرکزی برای حزب وجود داشته باشد، یعنی، کنگره عمومی حزب باید یک کمیته مرکزی واحد انتخاب کند، که هیأت تحریریه ارگان مرکزی حزب و غیره را منصوب خواهد نمود.

منتشر شده در پارتینیه ایزوستیا

شماره ۲، ۲۶ مارچ ۱۹۰۶

انتشار بر طبق متن روزنامه

مجموعه آثار لنین، جلد ۱۰

توضیحات

۱- پلاتفرم تاکتیکی بلشویک ها برای کنگره وحدت ح. ک. س. د. ر. در نیمه دوم فبروری ۱۹۰۶ تنظیم شد. همه پیش نویس های قطعنامه که پلاتفرم را تشکیل می دادند، به جز «وظایف طبقاتی پرولتاریا در مرحله کنونی انقلاب دمکراتیک»، توسط لنین نوشته شدند. پلاتفرم در شکل اولیه اش در گردهم آئی های رهبران حزب در کونوککالای فنلاند، جایی که لنین برای مدتی در آن زندگی می کرد، به بحث گذاشته شد.

در اوایل مارچ پلاتفرم در مسکو، در یک گردهم آئی اعضای کمیته مسکو، گروهی از میلغان و مروجان، گروه ادبی، دفتر مسکوی کمیته مرکزی، اعضای کمیته اوکروژنوی و دیگر فعالان حزبی، با شرکت لنین، و سپس، در اواسط مارچ، در کنفرانسی در سن پترزبورگ به ریاست لنین، مورد بحث قرار گرفت. در ۲۰ مارچ (۲ اپریل) پلاتفرم در پارتینیه ایزوستیای شماره ۲، و همچنین به شکل یک جزوه توسط کمیته مرکزی مشترک و کمیته مشترک سن پترزبورگ ح. ک. س. د. ر. چاپ شد.

۲- اشاره است به جزوه «خطاب به حزب»، منتشر شده توسط کمیته مرکزی مشترک ح. ک. س. د. ر. در فبروری ۱۹۰۶. این جزوه به مسائل مربوط به تشکیل شدن کنگره چهارم (وحدت) می پرداخت.

۳- با در نظر داشتن اختلافات بر سر مسأله ارضی، که به خصوص در آستانه کنگره چهارم (وحدت) ح. ک. س. د. ر. برجسته شدند، کمیته مرکزی مشترک کمیته ای خاص که دربردارنده لنین بود را منصوب کرد تا مسأله را به کنگره ارائه کند. کمیته همه دیدگاههای مختلف درباره مسأله ارضی را که بین سوسیال – دمکرات ها ابراز می شدند به صورت چهار نوع اساسی پیش نویس خلاصه و آنها را به کنگره تقدیم کرد. بیشتر اعضای کمیته نقطه نظر لنین را پذیرفتند، از این رو پیش نویس او به عنوان پیش نویس مورد قبول اکثریت کمیته به کنگره تقدیم شد. این پیش نویس به همراه پلاتفرم تاکتیکی در مارچ ۱۹۰۶، در گردهم آئی های بلشویکی قبل از کنگره تأیید شد.

۴- **حزب تجاری و صنعتی** – حزبی ضدانقلابی متشکل از سرمایه داران بزرگ، که در مسکو پس از انتشار مانیفست ۱۷ (۳۰) اکتوبر ۱۹۰۵ تأسیس شد. بنیان گذاران آن گ. آ. کرسوونیکوف، و. پ. ریابوشینسکی و دیگر سرمایه داران بزرگ بودند. این حزب، که خود را یک حامی مانیفست اکتوبر معرفی می کرد، بر استقرار یک قدرت دولتی نیرومند به منظور فرونشاندن جنبش انقلابی اصرار می ورزید. با تشکیل شدن یک مجلس مؤسسان، ملی شدن زمین، معمول شدن روز کار هشت ساعته و آزادی اعتصاب مخالفت می کرد. در انتخابات دومای اول بلوکی با اکتوبریست ها تشکیل داد. در اواخر سال ۱۹۰۶ از هم پاشید، بیشتر اعضای آن به اتحادیه هفده اکتوبر پیوستند.

۵- حزب اصلاحات دمکراتیک - یک حزب بورژوازی لیبرال - سلطنت طلب که در اوایل سال ۱۹۰۶، در طی انتخابات برای دومای اول، توسط عناصری که برنامه کادتی را خیلی چپ گرایانه می پنداشتند تأسیس شد. از بین رهبران برجسته آن می توان به ک. ک. آرسنیف، ی. ی. ایوانیوکوف، م. م. کووالفسکی، و. د. کوزمین - کاراویف و آ. س. پوسنیف اشاره کرد. این حزب که پایه محکمی نداشت تا پایان سال ۱۹۰۷ موجودیتش را از دست داد.